

جامعه مدنی و انقلاب اسلامی ایران: استراتژی‌های مبارزه و گذار مسالمت‌آمیز

عادل تمیمی^۱ / شیوا جلال‌پور^۲ / فریدون اکبرزاده^۳ / حسین کریمی‌فرد^۴

چکیده

انقلاب پدیده‌ای مدرن و نادر است که ساختارهای اساسی جامعه را دگرگون می‌کند و نقطه عطفی در تاریخ یک کشور محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران است که در شکل‌گیری آن نیروهای اجتماعی و سیاسی متعددی مانند روحانیون، روشنفکران، بازاریان، کارگران، دانشجویان و دیگر اقشار جامعه نقش داشتند که می‌توان از جامعه مدنی به عنوان یکی از نیروهای مهم و تأثیرگذار در این فرایند یاد کرد. این مقاله به بررسی نقش جامعه مدنی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و گذار از نظام پهلوی می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که استراتژی‌های مبارزاتی مسالمت‌آمیز جامعه مدنی چه تأثیری بر شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی داشته است؟

با استفاده از چارچوب نظری جین شارب، فرضیه این پژوهش بر آن است که جامعه مدنی در دوره پهلوی دوم با تسهیل مشارکت عمومی، طراحی استراتژی‌های مسالمت‌آمیز، نافرمانی‌های مدنی،

۱. عادل تمیمی دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

a.tamimi@iau.ac.ir

۲. شیوا جلال‌پور استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

Shivajalapour2016@iau.ac.ir

۳. فریدون اکبرزاده استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Fakbarzadeh@iau.ac.ir

۴. حسین کریمی‌فرد دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Hk.karimi119@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳ نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تحریم‌ها و اعتصابات، زمینه‌ساز وقوع انقلاب و گذار از نظام استبدادی شد. این پژوهش با روش تاریخی - تحلیلی انجام شده و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، رابطه بین جامعه مدنی و وقوع انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که جامعه مدنی، با اتخاذ شیوه‌های هدفمند و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مبارزات مدنی، نقشی محوری در بسیج عمومی و سازمان‌دهی اعتراضات علیه نظام پهلوی ایفا نمود. این رویکرد، از طریق کاهش هزینه‌های مبارزاتی و جلب مشارکت گسترده، به تغییر نظام سیاسی وقت منتهی گردید.

واژه‌های کلیدی: جامعه مدنی، انقلاب اسلامی، پهلوی دوم، مبارزات مسالمت‌آمیز، نظام‌های غیردموکراتیک، مقاومت مدنی، جین شارپ.



Civil Society and the Islamic Revolution of Iran: Strategies of Struggle and Peaceful Transition

Adel Tamimi¹/Shiva Jalapour²/ Fereydoun Akbarzadeh³/ Hossein Karimifard⁴

Abstract

Revolution is a modern and rare phenomenon that transforms the fundamental structures of society and serves as a turning point in a country's history. The Islamic Revolution of Iran is one of the most significant political and social events in contemporary Iranian history, shaped by various social and political forces such as clerics, intellectuals, bazaar merchants, workers, students, and other segments of society. Among these, civil society can be regarded as one of the most important and influential actors in this process. This article examines the role of civil society in the formation of the Islamic Revolution and the transition from the Pahlavi regime, addressing the question of how the peaceful struggle strategies of civil society influenced the formation and success of the Islamic Revolution.

Using Gene Sharp's theoretical framework, this study hypothesizes that during the later Pahlavi period, civil society, by facilitating public participation, designing peaceful strategies, organizing civil disobedience, boycotts, and strikes, laid the groundwork for the revolution and the transition from an authoritarian regime. This research employs a historical-analytical method and, drawing on library sources, investigates the relationship between civil society and the occurrence of the Islamic Revolution.

The findings indicate that civil society, by adopting purposeful strategies and leveraging the capacities of civic struggle, played a central role in mobilizing the public and organizing protests against the Pahlavi regime. This approach, by reducing the costs of struggle and attracting widespread participation, ultimately led to the transformation of the political system.

Keywords: civil society, Islamic Revolution, Pahlavi II, peaceful struggle, non-democratic regimes, civil resistance, Gene Sharp.

Iran, Britain, Foreign Policy, World War II, Political Notes, Correspondence.

1 . PhD student in Political Science (Iranian Issues Orientation), Department of Political Science, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2 . Assistant Professor, Department of Political Science, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (Corresponding Author)

3 . Assistant Professor, Department of Political Science, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

4 . Associate Professor, Department of Political Science, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران، یکی از جالب‌ترین و غیرقابل‌پیش‌بینی‌ترین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی قرن اخیر بوده که ناظران را با پدیده‌ای نوین چه در صحنه سیاسی داخل و چه در خارج از کشور روبه‌رو ساخت. این پدیده بنا به ماهیت، روش و سرشت خود با دیگر انقلاب‌های رخ داده تفاوت‌های اساسی داشته است. از این جهت، شناخت عمیق و همه‌جانبه از علل، ریشه‌ها، بازتاب، دستاوردهای (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی) و همچنین شیوه‌های مبارزاتی و نیروهای مؤثر در شکل‌گیری و وقوع آن به‌عنوان یکی از مؤثرترین پدیده‌های جهان معاصر، همواره مورد توجه و مطالعه پژوهشگران، اندیشمندان و نظریه‌پردازان بوده است.

این پژوهش به نقش جامعه مدنی در فرایند شکل‌گیری انقلاب و مبارزات مسالمت‌آمیز در حین وقوع انقلاب پرداخته است. جامعه مدنی به‌عنوان متغیر مستقل و انقلاب اسلامی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی تأثیر جامعه مدنی بر شکل‌گیری انقلاب و همچنین مسالمت‌آمیز بودن مبارزات و گذار دموکراتیک است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی درباره نقش جامعه مدنی در انقلاب اسلامی بر اساس مدل نظری جین شارپ انجام نشده است. با این حال، برخی پژوهش‌های مشابه به‌طور مختصر به شرح زیر بررسی شده‌اند.

۱. رساله «تحلیل تطبیقی-تاریخی دگرگونی کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران» تألیف مانا دشتگلی هاشمی (۱۳۹۵): این پژوهش به تحلیل تطبیقی-تاریخی رابطه متقابل «کنش ارتباطی»، «حوزه عمومی»، «جامعه مدنی» و «دموکراسی» در تاریخ معاصر ایران می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشروطیت به‌عنوان نخستین تلاش دموکراتیک، نقطه عطفی در محدودسازی قدرت مطلقه، گسترش مشارکت سیاسی-اجتماعی، و تأثیر اراده عمومی بر حاکمیت بود. این دوره، سرآغاز گذار به سمت پاسخگویی دولت و تعیین سرنوشت جمعی محسوب می‌شود.

۲. رساله «تحلیل جامعه‌شناختی عدم تثبیت دموکراسی در ایران» تألیف محسن کوشافر (۱۳۹۰): این تحقیق با استفاده از روش تاریخی-روایی و تطبیقی، چهار دوره مشروطه (تصویب قانون اساسی)، استقلال‌خواهی (۱۳۲۰-۱۳۳۲)، تثبیت جمهوری اسلامی (پس از ۱۳۵۷)، و دوران اصلاحات را تحلیل کرده است. چارچوب نظری پژوهش نشان می‌دهد که گسیختگی نخبگان، نبود نظام حزبی مقتدر، و کم‌بودن مشروعیت دموکراسی نسبت به ایدئولوژی‌های رقیب، مانع بستن «پیمان دموکراتیک» و تثبیت دموکراسی در ایران شده‌اند. حتی در دوره‌هایی با ساختار دموکراتیک، این شروط محقق نشده‌اند.

۳. مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی توسعه جامعه مدنی در ایران» تألیف محمدتقی سبزه‌ای (۱۳۸۹): این پژوهش، با رویکرد نوسازی و روش اسنادی-مقایسه‌ای، تحولات ساختار جامعه مدنی ایران در دو مقطع مشروطه (۱۲۸۵-۱۳۲۰) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۸۸) را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج حاکی از آن است که توسعه جامعه مدنی در ایران با تفکیک کارکردی نهادها از سه نهاد اولیه (دین، بازار و دولت) به هفت حوزه مستقل (دولت، اقتصاد، دین، آموزش، حقوق، قشربندی اجتماعی و جامعه مدنی) و تخصصی‌شدن نقش‌ها همراه بوده است.

۴. چنووت^۱ در «Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict, 2011» به بررسی نقش نیروهای اجتماعی مختلف از جمله کارگران، دانشجویان، متخصصان، روحانیون و سایر اقشار در موفقیت انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد. وی تأثیر مقاومت مدنی را در کاهش سطح سرکوب حکومت پهلوی و ماهیت مسالمت‌آمیز انقلاب مورد تحلیل قرار می‌دهد. این اثر از منظر روش‌شناسی مبارزاتی، همپوشانی قابل توجهی با پژوهش حاضر دارد.

۵. ریتتر^۲ در رساله دکتری خود: Why the Iranian Revolution was Nonviolent: Internationalized Social Change and the Iron, 2010 این پژوهش با بررسی انقلاب ایران به‌عنوان نمونه‌ای بی‌سابقه از انقلاب‌های مسالمت‌آمیز، دو عامل کلیدی را در تبیین این پدیده برمی‌شمارد: نخست، بین‌المللی‌شدن مبارزات انقلابی که موجب افزایش هزینه‌های سرکوب برای رژیم پهلوی شد؛ و دوم، تناقض ذاتی در ائتلاف رژیم با ایالات متحده به‌عنوان قدرت حامی حقوق بشر و نماد دموکراسی‌خواهی، که محدودیت‌های ساختاری برای سرکوب ایجاد کرد. این مطالعه

1. Erica Chenoweth

2. Daniel Philip Ritter

نشان می‌دهد که استراتژی آگاهانه کنشگران انقلابی در جهانی کردن اعتراضات، همراه با محاسبات راهبردی رژیم در حفظ حمایت‌های بین‌المللی، به شکل‌گیری انقلابی غیرخشونت‌آمیز انجامید.

۶. جیل^۱ در کتاب خود *The Dynamics of Democratization: Elites, Civil Society and the Transition Process, 2000* به بررسی نقش نیروهای مؤثر در گذار از نظام‌های غیردموکراتیک، از جمله نخبگان، جامعه مدنی و فرآیندهای گذار می‌پردازد بر اساس یافته‌های جیل، نیروهای جامعه مدنی اگرچه ممکن است سهمی کمتر از نخبگان حاکم در رهبری فرآیند گذار داشته باشند، اما در تعیین اقدامات نخبگان و تبیین جهت‌گیری‌های آنان نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. از این رو، در تمامی الگوهای گذار، جامعه مدنی دارای کارکردی بنیادین است.

با بررسی سوابق داخلی و خارجی پژوهش‌های انجام‌شده (سبزه‌ای، ۱۳۸۹) (کوشا فر، ۱۳۹۰) (دشتگلی هاشمی، ۱۳۹۵) (Gill, 2000) (Ritter, 2010) (Chenoweth, Stephan, 2011) درمی‌یابیم که به‌رغم تلاش‌های بسیاری که پژوهشگران داخلی و خارجی جهت بررسی ابعاد و توانمندی‌ها و کم‌وکیف جامعه مدنی انجام داده‌اند و جایگاه آن را در نظام‌های سیاسی مختلف ارزیابی کرده‌اند، اما تحقیقی که بتواند نقش این مقوله را در فرایند گذار مسالمت‌آمیز و با حداقل خشونت در وقوع انقلاب اسلامی موردبررسی و شفاف‌سازی قرار دهد، وجود نداشته و خلأ این موضوع در بین پژوهش‌های داخلی و خارجی بسیار ملموس است؛ لذا پژوهش پیشرو در نظر دارد باهدف پر کردن این خلأ جایگاه و قدرت جامعه مدنی را در تحول انتقال قدرت و وقوع انقلاب ۱۳۵۷ به‌صورت نسبتاً غیرخشونت‌آمیز موردبررسی قرار داده و ابعاد متعدد آن را روشن نماید. چرا که جامعه مدنی در این رویداد نقش برجسته‌ای داشته است و پژوهش‌های پیشین نتوانسته‌اند این عنصر مهم را در این فرایند تحلیل و تبیین نمایند.

براین‌اساس، دغدغه و مسئله اصلی این پژوهش، نقش جامعه مدنی در طراحی و تدوین استراتژی‌های مبارزاتی مسالمت‌آمیز در فرایند گذار از نظام استبدادی و غیردموکراتیک پهلوی دوم است.

بیان مسئله

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، رویدادی بی‌سابقه در تاریخ معاصر بود که نه تنها ساختار سیاسی و اجتماعی ایران را دگرگون کرد، بلکه تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای و جهانی گذاشت. انقلاب اسلامی ایران با وجود اشتراکات فراوان با دیگر انقلاب‌ها، تفاوت‌های ماهوی در شیوه مبارزات خود داشته است.

به گواه گدوین^۱ (2001) گلدستون^۲ (۲۰۰۳) و اسکوک^۳ (۲۰۰۵) انقلاب ایران اولین انقلاب کاملاً مسالمت‌آمیز در جهان است (Ritter, 2011: 31). آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب» اشاره می‌کند که انقلاب اسلامی برخلاف بسیاری از انقلاب‌ها، نه با توسل به خشونت، بلکه از طریق مبارزات مسالمت‌آمیز و تظاهرات توده‌ای توانست نظام پهلوی را سرنگون کند (آبراهامیان، ۱۳۷۷). این ویژگی، انقلاب اسلامی را از دیگر انقلاب‌های معاصر متمایز می‌سازد. مزروعی نیز بر غیرخشونت‌آمیز بودن این انقلاب تأکید کرده و آن را اولین انقلاب پس از انقلاب هند می‌داند که بدون خشونت به پیروزی رسید (Mazrui, 1981: 4). عمادالدین باقی در کتاب بررسی انقلاب اسلامی، تعداد قربانیان انقلاب در سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ را بالغ بر ۳۱۶۴ تن عنوان می‌کند. از این تعداد ۲۷۸۱ نفر شهدای انقلاب در سال ۷-۱۳۵۶ در تمام کشور است (باقی، ۱۳۸۳: ۴۳۰).

آنچه این انقلاب را از بسیاری دیگر از جنبش‌های تحول‌خواه در جهان متمایز می‌سازد، رویکرد عمدتاً مسالمت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز آن در مقاطع حساس و تعیین‌کننده است. این تحقیق بر آن است تا با رویکردی تحلیلی و تاریخی، دلایل ریشه‌ای و سازوکارهای مؤثر در مسالمت‌آمیز بودن انقلاب اسلامی ایران را کالبدشکافی کند. تمرکز اصلی بر این پرسش اساسی استوار است که استراتژی‌های مبارزاتی مسالمت‌آمیز جامعه مدنی چه تأثیری بر شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی داشته است؟

در این راستا، پژوهش حاضر به‌طور ویژه بر نقش حیاتی جامعه مدنی و نیروهای پیشران آن در حفظ ماهیت مسالمت‌آمیز انقلاب تأکید داشته و با بررسی نقش جامعه مدنی و نیروهای وابسته به آن، درک جامع‌تری از چرایی و چگونگی مسالمت‌آمیز بودن انقلاب اسلامی ایران ارائه خواهد

-
1. Goodwin
 2. Goldstone
 3. Schock

داد و درس‌هایی را برای جنبش‌های اجتماعی و سیاسی آتی، به‌ویژه در زمینه استفاده از ظرفیت‌های مبارزه مدنی، استخراج خواهد کرد.

روش پژوهش

از آنجا که موضوع این پژوهش، واکاوی جامعه مدنی در گذار تاریخی که همان دوران وقوع انقلاب اسلامی است، بنابراین باید در مطالعه و بررسی آنها از روش تاریخی بهره جست. همچنین، پژوهشگر در این تحقیق به دنبال شناسایی و تعیین نوع رابطه بین متغیرهای پژوهش است؛ بنابراین روش تحقیقی که مبنای پژوهش قرار می‌گیرد، روش تحلیلی - تاریخی است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و از ابزار فیش‌برداری استفاده شده است و برحسب منابع داده‌ها روشی کیفی است.

تعریف مفاهیم

جامعه مدنی^۱

جامعه مدنی از نظر لغوی از کلمه لاتینی پولیس^۲ مشتق شده است، و ارسطو در کتاب سیاست برای اولین بار آن را به کار برده است.

در بررسی ادبیات آن نخستین بار مفهوم جامعه مدنی در ادبیات سیاسی روم به چشم می‌خورد. سیسرون در کتاب «جمهوری» می‌نویسد قانون پیوند جامعه مدنی است. منظور او از جامعه مدنی جمعیتی است که به شکل سیاسی و حقوقی نظام‌یافته است (جهانگل، ۱۳۷۴: ۱۴). جامعه مدنی در اندیشه سیاسی، افلاطون، ارسطو و مسیحیت قرون وسطی به عنوان موضوعی مورد بحث قرار گرفته است. اما نه به عنوان حوزه مستقل از حوزه عمومی و دولت. ارسطو جامعه مدنی را ادامه طبیعی خانواده می‌داند که در آن فرد و خانواده و سایر نهادهای مدنی منبعث از دولت می‌باشند. او جامعه مدنی را جزئی از دولت - شهر و سیاست را یکسان با شهر می‌پنداشت. چراکه دولت شهر یونانی همه ابعاد زندگی شهروندان را دربر می‌گرفت. دین، سیاست و قلمرو شخصی از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر بودند. خیر فرد و خیر جامعه جدایی‌ناپذیرند و حوزه‌های اخلاق

1. Civil Society

2. Police

و سیاست یکی می‌باشند. همچنین زندگی اجتماعی در جامعه سیاسی به‌سوی غایت کسب فضیلت و سعادت گام برمی‌داشت (اندرو، ۱۳۷۱: ۱۲-۱۳).

هابز با توصیف وضع طبیعی قبل از تکوین دولت، حوزه‌ای غیردولتی را ترسیم کرد که در آن انسان از آزادی برخوردار بوده است. آزادی در وضعیت طبیعی غیردولتی و شخصی بود اما این آزادی خطر خشونت را افزایش می‌داد و زندگی اجتماعی را تهدید می‌کرد و انسان گرگ انسان شد. مردم برای فرار از این وضع خطرناک با یکدیگر وارد قراردادی شدند که از طریق آن آزادی‌های فردی را به یک‌طرف ثالث یعنی دولت واگذار کنند. بعد از آن دولت دست‌به‌کار تضمین نظم و ثبات اجتماعی شد (اندرو، ۱۳۷۱: ۱۶۰). بعد از هابز لاک و روسو با طرح دقیق‌تر قرارداد اجتماعی به تبیین حوزه عمومی و خصوصی پرداختند. اندیشه جامعه مدنی در قرن هجدهم به کمال رسید. هگل جامعه مدنی را به‌عنوان یک نهاد واسطه بین خانواده و روابط سیاسی دولت در نظر گرفت. به نظر او جامعه مدنی دستاورد جهان مدرن است که در آن دولت بنیاد ارگانیک جامعه مدنی است (جهانگیرلو، ۱۳۷۴: ۱۷).

الکسی دو توکویل جامعه مدنی را مجموعه‌ای از نهادهای مستقل و انجمن‌های داوطلبانه می‌داند که دولت در ایجاد آنها نقشی ندارد (افروغ، ۱۳۸۷: ۱۸). چلبی (۱۳۷۵) جامعه مدنی را منطقه حائل بین چهار خرده‌نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌داند و به نقش محوری انجمن‌های داوطلبانه در آن اشاره دارد (صص ۲۴۲، ۲۷۷). دکتر بشیریه در تعریف جامعه مدنی معتقد است که: «جامعه مدنی شامل همه حوزه‌هایی است که پس از تعیین و تجزیه و تحلیل حوزه دولت باقی می‌ماند. جامعه مدنی حوزه‌ای است که در آن کشمکش‌های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک واقع می‌شوند و دولت می‌کوشد آن منازعات را از طریق وساطت یا سرکوب حل کند، کارگزاران این منازعات در درون جامعه مدنی عبارت‌اند از نیروها، طبقات، گروه‌ها، جنبش‌های اجتماعی و نهادها و سازمان‌ها و گروه‌های فشار و انجمن‌های نماینده آنها» (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۳۲).

با توجه به تعاریف ذکرشده، جامعه مدنی عبارت است از مجموعه گروه‌های سیاسی و اجتماعی، انجمن‌ها، تشکلات و جمعیت‌ها و... که مستقل از دولت بوده و به‌صورت داوطلبانه و کاملاً مسالمت‌آمیز سعی در برقراری ارتباط بین دولت و مردم دارند و برای رسیدن به اهداف و منافع خود دولت را وادار به پاسخگویی می‌کنند.

انقلاب^۱

انقلاب از قلب به معنی دگرگونی، زیرورو شدن، تحول و تغییر است (معین، ۱۳۶۰). واژه انقلاب در معنای سیاسی آن، که معادل Revolution است، کاربرد جدیدی دارد. در ابتدا این واژه برای حرکت دَوْرانی اجرام آسمانی و گردش ستاره‌ها به دور کره زمین به کار می‌رفت. «انقلاب شکوهمند» ۱۶۶۸ در انگلستان که منجر به تسلط پارلمان بر مقام سلطنت گردید، باعث شد که لفظ انقلاب وارد زبان سیاست شود (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۳۶) و این واژه استعاره به تغییرات بنیادی در ساخت و سازه‌های نظام اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی اطلاق شود.

بشیریه انقلاب را «مبارزه‌ای خشونت‌بار و کم‌ویش طولانی برای قبضه قدرت دولت» تعریف می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۲: ۶). هانتینگتون نیز انقلاب را «دگرگونی سریع، اساسی و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها، نهادهای سیاسی و ساختار اجتماعی یک جامعه» می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۲۶۴). کوهن تعریفی دیگر از انقلاب عنوان می‌کند: انقلاب صرفاً کوششی است برای براندازی حکومت با توسل به ابزارهای خشونت‌آمیز (کوهن، ۱۳۶۹: ۳۰). چارلز تیلی در کتاب از بسیج تا انقلاب چنین می‌نویسد: انقلاب عبارت است از جابه‌جایی سریع و خشونت‌آمیز گروه حاکم قبلی با گروه‌های معارض در نظام سیاسی و ایجاد تغییرات موردنظر گروه معارض در آن به‌وسیله یک بسیج فراگیر انقلابی (تیلی، ۱۳۸۵: ۲۷۵).

چارچوب نظری:

مقاومت مدنی و گذار مسالمت‌آمیز در انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک انقلاب مسالمت‌آمیز در مقایسه با دیگر انقلاب‌های کلاسیک، نیازمند چارچوب نظری خاصی برای تبیین این فرایند است. نظریه مقاومت مدنی جین شارپ به دلیل انطباق مفهومی، توانایی تبیین فرایند گذار، تحلیل نقش نیروهای مؤثر، استفاده از تاکتیک‌های مبارزاتی هدفمند و قدرت بسیج مردم، مناسب‌ترین چارچوب برای تحلیل انقلاب اسلامی است.

این تحقیق با اتکا بر چارچوب نظری مبتنی بر آثار جین شارپ^۱، به‌ویژه نظریه مقاومت مدنی و گذار مسالمت‌آمیز، به تحلیل دلایل مسالمت‌آمیز بودن انقلاب اسلامی ایران و نقش جامعه مدنی

1. Revolution

در این فرآیند می‌پردازد. شارپ با تفکیک مبارزه سیاسی از خشونت، معتقد است که کنشگران سیاسی می‌توانند از طریق طیف گسترده‌ای از روش‌های غیرخشونت‌آمیز، قدرت حریفان (مانند دولت‌ها) را به چالش کشیده و در نهایت منجر به تغییرات سیاسی شوند.

شارپ در نظریه مقاومت مدنی و گذار بدون خشونت به دنبال ترسیم و تعریف یک شیوه کم‌هزینه و مسالمت‌آمیز برای گذار از یک رژیم استبدادی و دیکتاتوری و رسیدن به یک حکومت دموکراتیک است. در این نظریه نقش اساسی به جامعه مدنی داده شده است. شارپ در کتاب «جامعه مدنی و مبارزه مدنی» چنین تعریفی برای آن قائل است: جامعه‌ای متشکل از نهادهای غیردولتی که ویژگی‌های آن عبارت‌اند از: مستقل بودن از دولت - خشونت‌پرهیز - خودجوش و داوطلبانه منتقد سیاست‌های دولت و دارای ساختار آزادی‌خواه هستند (Sharp, 2010: 21).

به اعتقاد ایشان جامعه مدنی باید به دنبال تغییر شکل سنتی هرم قدرت (رابطه یک‌سویه دولت با مردم) و تبدیل آن به رابطه‌ای دوجانبه باشد، تا قدرت در تمامی سطوح جامعه به صورت متعادل توزیع گردد. بنابراین، برای یک گذار دموکراتیک، جامعه مدنی را به عنوان پرچم‌دار و پیشگام معرفی می‌کند. سپس می‌کوشد شیوه‌های مبارزه و نوع آن و همچنین نقاط قدرت، قوت، نقاط ضعف و آسیب‌پذیر رژیم استبدادگر را شناسایی کرده و با توجه به آنها، پیشنهادها عملی و کاربردی برای ساقط کردن رژیم توصیه می‌کند.

این پژوهش سعی دارد با استفاده از نظریه فوق به نقش جامعه مدنی در فرایند انقلاب اسلامی برای یک گذار دموکراتیک بدون خشونت بپردازد، و روشن کند که جامعه مدنی چگونه مبارزات مسالمت‌آمیز و نافرمانی‌های مدنی را تدوین و اجرا کرده و توانسته بسیج عمومی را در سطح گسترده انجام دهد.

پس از توانایی بسیج مردم وقت آن می‌شود که از طریق تظاهرات، اعتصابات، راهپیمایی‌ها و نافرمانی‌های مدنی و مسالمت‌آمیز دیگر به سراغ از کار انداختن چرخه قدرت اقتصادی رژیم قدم برداشت.

مفاهیم کلیدی جین شارپ که در این چارچوب مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

۱. مقاومت مدنی^۱ یا مبارزه سیاسی غیرخشونت‌آمیز^۲

شارپ مبارزه غیرخشونت‌آمیز را مجموعه‌ای از روش‌ها و تاکتیک‌های مشخص تعریف می‌کند که افراد و گروه‌ها می‌توانند برای مقاومت در برابر حکومت‌های سرکوبگر یا دستیابی به اهداف سیاسی به کار گیرند، بدون اینکه به خشونت متوسل شوند. او این روش‌ها را به سه دسته اصلی تقسیم می‌کند:

اعتراض و ترغیب:^۳ شامل ابراز عقیده از طریق بیانیه‌ها، تظاهرات، راه‌پیمایی‌ها، گردهمایی‌ها، و استفاده از نمادها (مانند بستن روبان سیاه یا استفاده از رنگ‌های خاص). در انقلاب ایران، این اقدام شامل اعلامیه‌های امام خمینی، تظاهرات خیابانی گسترده، و شعارهای انقلابی بود.

عدم همکاری:^۴ شامل عدم همکاری با رژیم در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. این می‌تواند شامل عدم همکاری اجتماعی (مانند تحریم مراسم دولتی)، عدم همکاری اقتصادی (مانند اعتصابات کارگری، اعتصاب بازار، تحریم کالاهای خاص) و عدم همکاری سیاسی (مانند امتناع از پرداخت مالیات، خودداری از خدمت در ارتش یا پلیس) باشد. اعتصاب بازار تهران و تعطیلی گسترده آن، اعتصابات کارگری در صنایع نفت و دیگر بخش‌ها، مصداق بارز این دسته در انقلاب ایران است.

مداخله غیرخشونت‌آمیز:^۵ شامل اقداماتی فعالانه برای مختل کردن عملکرد عادی نظام حاکم، مانند تحصن، ایجاد موانع فیزیکی غیرخشونت‌آمیز، یا راه‌اندازی نهادهای موازی. در ایران، تظاهرات میلیونی را که عملاً بسیاری از فعالیت‌های دولتی را فلج می‌کرد، می‌توان در این دسته قرار داد.

-
1. Civilian Resistance
 2. Nonviolent Political Struggle
 3. Protest and Persuasion
 4. Noncooperation
 5. Nonviolent Intervention

۲. گذار مسالمت‌آمیز:^۱

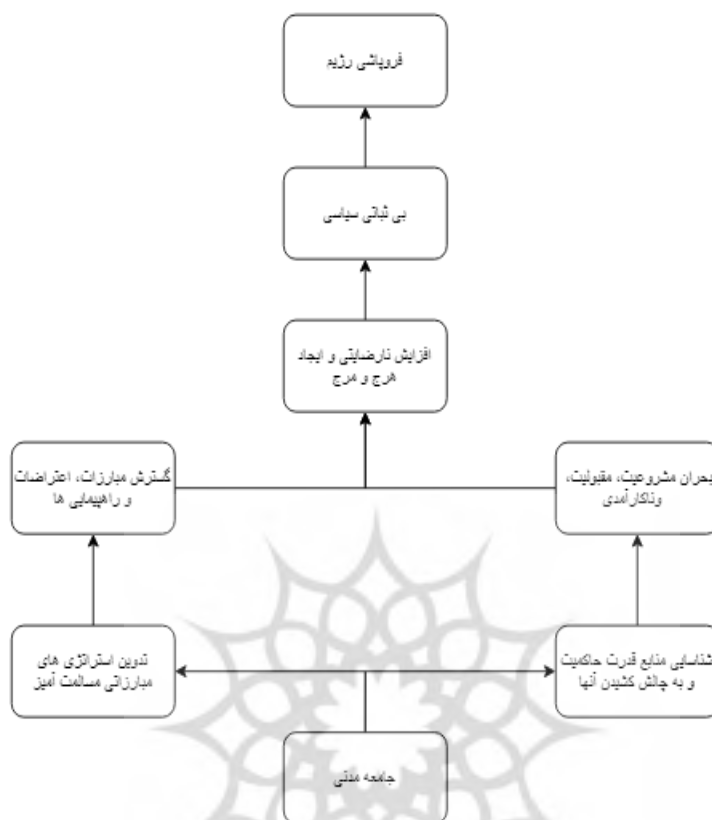
شارپ معتقد است که مقاومت مدنی می‌تواند به ابزاری قدرتمند برای گذار از یک رژیم سرکوبگر به سوی یک نظام دموکراتیک‌تر تبدیل شود. گذار مسالمت‌آمیز زمانی رخ می‌دهد که طبقه حاکم (یا بخش‌هایی از آن) یا اقتدار خود را از دست بدهد (به دلیل عدم مشروعیت، نافرمانی گسترده، یا از دست دادن حمایت نهادهای کلیدی) یا مجبور به پذیرش تغییرات اساسی شود (Sharp, 2010: 79-81).

با توجه به استدلال‌های تئوریک فوق، این پژوهش به دنبال بررسی فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نقش جامعه مدنی در این فرایند است. همچنین بررسی می‌شود که انقلاب اسلامی یک انقلاب خشونت‌پرهیزی بوده است یا خیر؟

این چارچوب نظری به ما امکان می‌دهد تا با یک رویکرد سامانمند و مبتنی بر نظریه، دلایل مسالمت‌آمیز بودن انقلاب و نقش محوری جامعه مدنی را تبیین کنیم و آن را با الگوی کلی مقاومت مدنی جین شارپ مقایسه نماییم.

مدل ساختاری پژوهش:

مطابق این مدل، جامعه مدنی با تمرکز بر دو کارویژه اصلی، شامل تدوین استراتژی‌های مبارزات مسالمت‌آمیز و شناسایی و به‌چالش کشیدن منابع قدرت رژیم پهلوی، زمینه را برای افزایش مشارکت مردمی در قالب راهپیمایی‌ها، اعتراضات، و نافرمانی مدنی فراهم کند. گسترش این اعتراضات و همگانی شدن آن، توأم با بحران‌های مشروعیت، مقبولیت، و ناکارآمدی، منجر به افزایش هرج و مرج و بی‌ثباتی شده و نظام را در وضعیت بحرانی قرار می‌دهد. رژیم پهلوی به دلیل ناتوانی در مقابله با چنین شرایط و وضعیتی، درنهایت با فروپاشی و سقوط مواجه می‌شود.



۱- پیشینه تاریخی جامعه مدنی در ایران

تحول جامعه مدنی در ایران معاصر را می‌توان در سه دوره کلیدی بررسی کرد: دوره قاجار که شاهد نخستین جرقه‌های شکل‌گیری نهادهای مدنی مدرن بود، دوره پهلوی اول که نوسازی آمرانه موجب دگردیدی ساختار اجتماعی شد، و دهه منتهی به انقلاب که جامعه مدنی به بلوغ کافی برای ایفای نقش تاریخی خود رسید.

با توجه به تعاریفی که از جامعه مدنی ارائه گردید، در تطبیق این مفهوم با ساخت اجتماعی و سیاسی ایران در گذشته، می‌توان اظهار داشت که جامعه ایران در تلاش برای عبور از یک جامعه استبدادی به یک جامعه قانونمند و قانون‌گرا بوده است.

جامعه مدنی خود تابعی از برخی عوامل مانند: شرایط اجتماعی و سیاسی، ساختار قدرت سیاسی، نحوه توزیع قدرت، ماهیت نظام، وضعیت دموکراسی و توسعه سیاسی، کنشگری نیروهای اجتماعی و... بوده است؛ بنابراین با توجه به موارد ذکر شده، جامعه مدنی در ایران دارای فراز و نشیب بوده و با مهیاشدن شرایط توانسته نقش آفرینی متناسبی انجام دهد.

جوزف گاسفیلد^۱ جامعه مدنی را به دو صورت پیوسته و گسسته تعریف می‌نماید. جامعه مدنی پیوسته^۲ همان جامعه کثرت‌گرای مردم‌سالار است، با این فرض که در آن افراد در بیش از یک گروه ذی‌نفع عضویت دارند و اعضای یک گروه خاستگاه اجتماعی متفاوتی دارند. اما جامعه مدنی گسسته^۳ عکس وضعیت فوق است. اولاً افراد فقط در یک سازمان خاص عضویت پیدا می‌کنند. ثانیاً، اعضای یک سازمان همه از یک قشر یا طبقه خاص‌اند. در چنین جامعه‌ای اشتراکات زیادی است و همگونی، هم‌فکری و ایدئولوژی مشترکی حاکم خواهد بود؛ بنابراین تعریف می‌توان گفت: جامعه مدنی در ایران قبل انقلاب نوعی جامعه مدنی گسسته بوده است (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۶۸-۳۶۷).

جامعه مدنی در ایران برخلاف غرب که قبل از تشکیل دولت تحقق یافته بود. یک پدیده نسبتاً نوینی است و بروز آن را در دوران قاجار و بعد از آن می‌توان مشاهده نمود.

۱-۲: ساختار جامعه مدنی

۱-۱-۲: نهاد سنتی

در اواخر دوره قاجار، شکل‌گیری جامعه مدنی تحت تأثیر عواملی مانند تماس با غرب (از طریق اعزام دانشجوی، مطبوعات و آشنایی با مفاهیم لیبرالیسم)، فعالیت روشنفکران و اصلاح‌طلبان (مانند میرزا ملکم خان و آخوندزاده)، نقش روحانیون (همچون آیت‌الله نائینی و آخوند خراسانی در حمایت از مشروطه)، تشکیل انجمن‌های سیاسی و رشد مطبوعات، نارضایتی عمومی از استبداد و دخالت خارجی (مانند جنبش تنباکو) و تأثیر انقلاب‌های خارجی (مثل انقلاب روسیه ۱۹۰۵) پدید آمد. این تحولات به جنبش مشروطه (۱۹۰۶) و تأسیس مجلس شورای ملی انجامید که

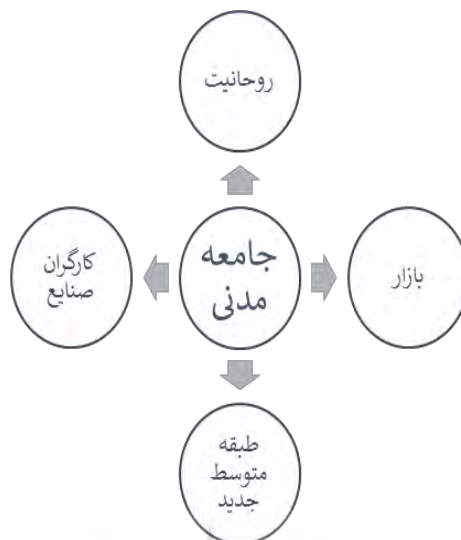
1. Joseph R. Gusfield
2. Linked civil society
3. Segmented civil society

نخستین گام در تشکیل نهادهای مدنی مدرن در ایران بود (آدمیت، ۱۳۴۰: ۸۷). از عمده طبقات و نیروهای اجتماعی سنتی می‌توان از روحانیت و سرمایه‌داران بازار (طبقه تاجرپیشه) نام برد.

۲- ۱- ۲- نهاد مدرن

با روی کار آمدن دولت‌های پهلوی، شاهد یک نوع نوسازی و اصلاحات گسترده اقتصادی، اداری، اجتماعی و صنعتی بودیم که این خود منجر به یک صورت‌بندی جدیدی در ساخت طبقاتی جامعه گردید و طبقات جدیدی شکل گرفتند. ظهور صنایع جدید، تأسیس بانک، گمرک، دانشگاه، بیمارستان، راه آهن، دادگستری و اداره مالیات و دیگر زیرساخت‌ها باعث دگرگونی در ساختارهای اجتماعی و سیاسی گردید. اصلاحات اجتماعی اقتصادی رضاشاه به ایجاد دو گروه اجتماعی عمده منجر شد که بعداً نقش تعیین‌کننده‌ای در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران به عهده گرفتند. یکی از این اینها، گروه‌های شغلی متوسط شهری بودند که به وجهی متناقض‌نما پایگاه اصلی افکار سیاسی مدرن را تشکیل دادند. گروه‌های شغلی متوسط حمایت قابل‌ملاحظه‌ای از افکار ملی‌گرایانه جبهه ملی به عمل آوردند و بعد از تبعید رضاشاه در جنبش ملی کردن صنایع نفت شرکت کردند. دوم، روشنفکران متجدد گروه‌های شغلی میانه‌حال نخستین حزب کمونیست ایران، حزب توده را بنا نهادند. در بیش از نیم قرن، جامعه ایران در نتیجه نوسازی اقتدارگرایانه رژیم پهلوی دستخوش دگرگونی اجتماعی و اقتصادی عمده‌ای شد. گروه‌های اجتماعی تازه و نهادهای جدیدی پا به عرصه وجود گذاشتند که ثبات سیاسی - اجتماعی سنتی جامعه را که مبتنی بر توازن قدرت بین دولت و علما بود برهم زدند. واقعیت اجتماعی - سیاسی تازه که در آن علما نفوذ مسلط و قدرت خود را به نفع دولت از دست دادند به شکلی اساسی ساختار جامعه مدنی را دگرگون کرد (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

در دوران حکومت رضاشاه به علت پیدایش گروه‌های اجتماعی جدید شهری، کاهش قدرت روحانیون و بازاریان و رواج مفاهیم و ایدئولوژی‌های جدید، جامعه مدنی سنتی به حاشیه رانده شد. در این برهه شاهد ایجاد طبقات و نیروهای اجتماعی مدرنی هستیم که می‌توان به طبقه متوسط جدید و طبقه کارگر اشاره نمود.



۲- سیر تحولات تاریخی انقلاب اسلامی

۱- ۲- قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود که ویژگی‌های منحصر به فردی داشت. برخلاف جنبش‌های پیشین که معمولاً محدود به قشرهای خاصی مانند روشنفکران، بازاریان یا روحانیون بود، این قیام با مشارکت گسترده تمامی اقشار جامعه از جمله کارگران، کشاورزان، زنان، جوانان و حتی افراد مسن را صورت گرفت. این اتحاد بی‌سابقه نشان می‌داد که اعتراضات این بار ریشه در خواست عمومی مردم دارد و به یک گروه یا طبقه خاص محدود نیست (روحانی، ۱۳۹۵: ۲۸۴-۲۸۵). اگرچه قیام ۱۵ خرداد در کوتاه‌مدت سرکوب گردید، اما در بلندمدت زمینه‌ساز انقلاب اسلامی شد. این رویداد به مردم نشان داد که می‌توانند در برابر حکومت مستبد بایستند و روحانیت نیز به این باور رسید که توانایی رهبری یک نهضت بزرگ را دارد. به این ترتیب، ۱۵ خرداد نه تنها یک اعتراض گذرا نبود، بلکه سرآغاز تحولی شد که سیزده سال بعد به سرنگونی رژیم پهلوی انجامید. از پیامدهای قیام ۱۵ خرداد می‌توان به افشای ماهیت استبدادی رژیم پهلوی، تقویت مبارزات مردمی، رشد آگاهی سیاسی مردم، ظرفیت‌سازی جهت بسیج مردم، شکل‌گیری پیوند عمیق‌تر روحانیت با مردم، به‌ویژه دانشجویان، اشاره کرد.

۲-۲- دهه ۱۳۵۰ (اعتصابات، اعتراضات، راهپیمایی‌ها)

یکی از مسائل تاریخی مهم در زمینه انقلاب اسلامی، بحث درباره مقاطع تاریخی مؤثر در روند انقلاب اسلامی است. گذشته از حوادثی مثل ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی در دهه ۱۳۴۰ که ریشه انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند، شناسایی مقاطع تعیین‌کننده در دهه ۵۰ و سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی بسیار مهم است، زیرا نقاط عطف و برجسته هر واقعه، مشخص‌کننده ماهیت آن واقعه خواهند بود. اولین جرقه انقلابی در سال ۱۳۵۶، یکی از مقاطعی است که درباره آن اختلاف‌نظرهایی به چشم می‌آید. عمده نویسندگان جریان انقلاب اسلامی، جرقه انقلاب را در قیام ۱۹ دی مردم قم می‌جویند اما آبراهامیان در کتاب موردنظر، جرقه انقلاب را حادثه آبان ماه دانشگاه آریامهر (صنعتی شریف) می‌داند (مقدمی شهیدانی، محمدی زنجانی، ۱۳۹۷؛ ۱۱۹-۱۲۰).

قدرت سیاسی حاکم تا قبل از سال ۱۳۵۶ به میزان زیادی در کنترل حوادث انقلاب موفق بود، ولی مرجعیت و تقلید از مهم‌ترین عواملی بود که نه تنها ابزار سیاسی بلکه مهم‌ترین ابزار قدرت رژیم یعنی ابزار نظامی را هم بی‌اثر ساخته بود. نیروهای مسلح که اساسی‌ترین تکیه‌گاه و حامی رژیم بودند، پس از فتوای امام خمینی، به اعتراف مسئولین نظامی کشور در جلسات محرمانه به‌طور شفاهی و کتبی و در عمل به دستور او عمل می‌کردند و با فرار از خدمت نظامی کارایی ابزار نظامی را به کلی از بین برده بودند. لذا نه حکومت نظامی و نه کابینه نظامی هیچ‌گونه کارایی نداشتند. درمجموع محمدرضا شاه به دلیل تحلیل نادرست و عدم کارایی ابزارهایش توانایی کنترل انقلاب اسلامی را نداشت (مظفری، ۱۳۸۶؛ ۱۳۳-۱۳۴).

اعتصابات از مصادیق بی‌ثباتی سیاسی در بسیاری از جوامع سیاسی هستند. به عقیده آبراهامیان معضلات اقتصادی و فشارهای خارجی رژیم محمدرضا شاه را بی‌ثبات ساخت که در اثر آن، شمار اعتصابات رو به فزونی نهاد، به‌نحوی که شمار اعتصابات عمده که در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶ از سه مورد تجاوز نکرده بود، به بیش از بیست مورد در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۰ افزایش یافت و در برخی موارد به رویارویی خونین بین اعتصاب‌کنندگان و نیروهای مسلح انجامید. در پی تبعید امام به ترکیه در بسیاری از شهرها از جمله اصفهان، مشهد، شیراز، یزد، جهرم، نیریز، آبادان، دزفول و قم، ائمه جماعات به‌منظور اعتراض به عمل رژیم از حضور در مساجد و برگزاری نماز جماعت خودداری کردند که نوعی مبارزه منفی به شمار می‌رفت.

بنا به گفته فوران، اعتصابات در طی ماه‌های مهر و آبان ۱۳۵۷ گسترش بیشتری یافت. کارکنان صنعت نفت، کارمندان ادارات دولتی، کارکنان راه‌آهن و پست، کارکنان بیمارستان‌ها، مطبوعات و کارگران بسیاری از کارخانه‌های سراسر کشور به اعتصاب پیوستند. حالا دیگر تقاضاها رنگ اقتصادی خود را از دست داده بود و ماهیت سیاسی پیدا کرده بود و اعتصاب‌کنندگان خواستار آزادی مطبوعات و سرنگونی نظام پهلوی بودند.

اعتراضات و شورش‌ها و برگزاری تظاهرات هم از مصادیق بی‌ثباتی سیاسی به شمار می‌روند. به‌تدریج تعداد افراد شرکت‌کننده در اقدامات انقلابی در هر موج در قیاس با موج پیشین به‌طور چشمگیری روبه‌افزایش نهاد، به‌طوری‌که در آغازین موج‌های اعتراضی و انقلابی ۴۵۰۰ نفر شرکت داشتند. در موج‌های بعدی این رقم چهار برابر شد و در موج سوم به ۱۴۰۰,۰۰۰ نفر افزایش پیدا کرد و در موج چهارم به ۵,۲۰۰,۰۰۰ نفر بالغ شد و سرانجام در واپسین مراحل ۲۹,۰۰۰,۰۰۰ نفر در روند انقلاب درگیر شدند. تعداد متوسط افراد شرکت‌کننده در تظاهرات به‌سرعت از ۱۲۰۰ نفر در مراحل اولیه به ۲۱۰۰۰ نفر افزایش یافت. بنا به گزارش‌هایی که در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده است تعداد تظاهرات صورت‌گرفته از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ مجموعاً به عدد ۱۴۷ می‌رسد (محمدعلی‌پور، رحیمی عماد، ۱۳۹۲؛ ۱۷۱-۱۷۲).

راهپیمایی و اعتصاب دو شیوه اقدام عمده به‌کاررفته در جریان انقلاب اسلامی بوده است. با توجه به استراتژی‌های مبارزاتی بدون خشونت، اعتصاب و تظاهرات خیابانی (راهپیمایی) مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روش‌ها بر روند پیروزی انقلاب بودند. هر کدام از روش‌ها، مناسب طیف خاصی از جامعه بوده و ضربه مهلکی به رژیم پهلوی وارد می‌نمود (کشاورز شکری، فرهادی، ۱۳۹۰: ۸۴).

با مطالعه سیر حوادث در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ شاهد گسترش اعتصابات و راهپیمایی‌ها و عمومیت آنها در بین اکثر اقشار و طبقات هستیم. کارگران از مطالبات صنفی به مطالبات سیاسی رو می‌آوردند و نقش اساسی در مبارزات مسالمت‌آمیز با انجام اعتصابات و نافرمانی‌های مدنی، ایفا می‌کردند. دانشجویان نیز در خارج از کشور با برپایی تظاهرات و نشر بیانیه‌ها، مجامع بین‌المللی را فرامی‌خوانند و خواهان سقوط رژیم می‌شوند. در داخل نیز راهپیمایی‌هایی علیه رژیم برپا می‌کنند.

حال به نقش نیروهای اجتماعی - سیاسی مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت.

با توجه به چارچوب نظری و مسئله مطرح شده در پژوهش، نیروهای اجتماعی را در قالب زیرمجموعه جامعه مدنی طبقه‌بندی می‌نماییم. ابتدا به صورت مختصر به پیشینه تاریخی و فراز و نشیب جامعه مدنی در ایران خواهیم پرداخت، سپس نیروهای اجتماعی - سیاسی را شرح داده و نقش آنها را در فرایند شکل‌گیری انقلاب را بازگو خواهیم نمود.

۳- نیروهای مؤثر در فرایند انقلاب

۱-۳- روحانیت

روحانیت شیعه همواره یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین نیروهای اجتماعی در تاریخ معاصر ایران بوده است. این نهاد غیررسمی و سنتی با بهره‌گیری از ابزارها و منابعی همچون ایدئولوژی خاص خود، تشکیلات منسجم، مرجعیت دینی، ثروت و حمایت‌های سیاسی، به‌ویژه از سوی امام خمینی، نقش اساسی در تحولات سیاسی ایران، به‌ویژه در جریان انقلاب اسلامی، ایفا کرده و به‌عنوان یک نیروی اجتماعی با توانایی بسیج و سازمان‌دهی مردم، در شکل‌دهی به تحولات اجتماعی و سیاسی کشور ایران نقش مرجع و هدایت‌کننده و دیرینه داشته است. روحانیت در مکان‌های مذهبی و عبادی در حین بیان احکام و تکالیف، جلسات آگاهی‌بخشی را در افشای اسلام‌ستیزی رژیم پهلوی و همچنین در جهت هدایت و بسیج مردم و به صحنه آوردن آنان علیه رژیم تشکیل داد.

روحانیت با سه کارویژه اعطای مشروعیت به حکومت، قدرت بسیج مردم برای جنگ، تحت عنوان جهاد و نفوذ در بازار توانسته‌اند نفوذ بالایی بر دولت‌ها داشته باشند. شکل‌دهی به مبارزات مدنی و تأثیر آن در گسترش موج انقلابی بخشی از فعالیت نهاد روحانیت تهران جهت گسترش موج انقلابی، شکل‌دهی به مبارزات مدنی از قبیل تحصن، تحریم خرید کالاهای خارجی، بوق زدن وسایل نقلیه در خیابان‌ها، خاموش کردن چراغ مغازه‌ها، تعطیلی بازار تهران و اعتصاب غذا بود. در این خصوص مسئله‌ای که باید به آن اذعان کرد این است که در شکل‌گیری مبارزات مدنی؛ عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نقش اساسی داشتند. برای نمونه یکی از عوامل شکل‌گیری مبارزات مدنی روحانیون تهران، اعتراض به وضعیت اقتصادی و وجود فساد گسترده در کشور در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی بود که گزارش آن در

برخی روزنامه‌های تهران آمده است (روزنامه رستاخیز، شماره ۳۴۴۴ مورخ ۱۳۵۷/۰۶/۰۶، ص ۳۰؛ روزنامه مهر ایران، شماره ۴۶۸۹ مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۶).

در گزارشی از روزنامه آیندگان، به مسئله بحران صنعت فرش اشاره گردیده که صادرات فرش را با نابسامانی‌های گسترده‌ای همراه کرده و لایحه حمایت از صنعت فرش در مجلس، بیش از دو سال متوقف شده بود و دولت نیز برنامه‌ای برای حل آن نداشت. این موضوع باعث شکل‌گیری اعتراضات مدنی از قبیل اعتصاب بازاریان با همراهی نهاد روحانیت تهران شد (روزنامه آیندگان، شماره ۳۴۵۱، مورخ ۱۳۵۶/۰۱/۳۱). عامل دیگری که در شکل‌گیری مبارزات مدنی از قبیل برگزاری تحصن نقش تأثیرگذاری ایفا کرد، ممانعت شاپور بختیار از ورود امام خمینی به ایران بود. به همین علت، روحانیت تهران در اعتراض به آن، در ۸ بهمن ۱۳۵۷ ش در مسجد دانشگاه تهران تحصن کردند و این رویداد، نقش مهمی در گسترش موج انقلابی داشت (روزنامه کیهان، شماره ۳۴۶۳۳، مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۸).

علاوه بر آن، گزارش‌های مطبوعات نشان می‌دهد که از تحصن علما در مسجد دانشگاه تهران، اقشار مختلفی از قبیل کارکنان هواپیمایی، هیئت‌علمی دانشگاه ملی ایران وابسته به سازمان روحانیون، دانشجویان و کارکنان دانشگاه، جامعه اصناف و بازرگانان، مطبوعات و غیره حمایت کردند (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۷۲، مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۰؛ روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۷۳، مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۱).

۲-۳- شبکه مساجد

از دیرباز، مسجد در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته است و زیربنای شکل‌گیری تمدن اسلامی محسوب می‌شود. مسجد در نظام سیاسی - اجتماعی مسلمانان فقط کارکرد عبادی و مذهبی نداشته بلکه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... نیز داشته است.

در ایران، هم‌زمان با ورود اسلام مساجد زیادی احداث شدند و پس از آن یکی از نهادهای تأثیرگذار در زندگی مردم بودند. در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی - اجتماعی ایرانیان در دوره‌های مختلف نیز مساجد نقش بسیار مهمی ایفا کردند؛ مانند قیام سربداران، نهضت مشروطه، قیام گوه‌رشاد و انقلاب اسلامی. در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد یکی از عمده‌ترین محل‌های تجمع، اعتراض مردم و تظاهرات علیه رژیم بود.

مساجد دو کارکرد اصلی داشتند: اول، آنها به عنوان یک شبکه ارتباطی عمل می کردند که از طریق آن رهبران مذهبی قادر بودند پیام ها را به یکدیگر منتقل کنند و اقدامات را هماهنگ کنند (Amuzegar, 1991: 25).

دوم، خدمت به عنوان مراکز فیزیکی جنبش اعتراضی بود. مساجد مکان های ایدئالی برای تجمع بودند؛ زیرا نسبتاً از حملات خشونت آمیز نسبتاً در امان بودند (Parsa, 1989: 190).



الف) اتحاد مسجد و بازار در ایران

مسجد و بازار دو نهاد از نهادهای اجتماعی هستند که نخست در شهرها پدید آمدند. کارکرد و موقعیت ظهور این دو نهاد به گونه ای بوده است که از اساس جز در اجتماع های شهری امکان وجود و تداوم نداشتند. احمد اشرف در مورد وضعیت کالبدی و فضای شهرهای اسلامی می گوید:

«شهر اسلامی به لحاظ کالبدی متشکل از سه رکن اصلی ارگ، مسجد جامع و بازارها بوده است که محل استقرار و جایگاه عناصر متشکل اجتماع شهری، یعنی عمال دیوانی، علما و بازاریان بوده است» (اشرف، ۱۳۵۹: ۲۳).

سیاست های رژیم شاه موجب نزدیکی بیشتر این دو نهاد شد؛ سیاست هایی نظیر نوسازی به سبک غربی، ترویج ابتذال و بی بندوباری در جامعه، زیر فشار گذاشتن قشرهای مذهبی و به ویژه بازاریان. این اتحاد باعث شد که در انقلاب اسلامی بازاریان و بازار، به مثابه هادی سنتی، نقش بسزایی ایفا کنند؛ چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ سیاسی. از لحاظ سیاسی موقعیت بازار و جمعیت آن نقش مهمی در شکل گیری تظاهرات مردمی داشت. بازاریان گروهی از اجتماع سنتی

شهرنشین بودند که چندهزار مغازه داشتند و همچنین با جمعیت زیادی از مردم در ارتباط بودند. هرگاه اتفاقی می‌افتاد، آنها بازار را می‌بستند و در مسجدها تجمع می‌کردند. تعطیلی بازار باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می‌شد و تا حدی زمینه شکل‌گیری تظاهرات مردمی را فراهم می‌کرد. میثاق پارسا می‌نویسد: تنها کانال بسیج بازاریان در اتحاد با سایر گروه‌ها مساجد بودند (Parsaa, 1989: 94).

ب) رابطه مسجد با روحانیت

رابطه مسجد و روحانیت رابطه دیرینه‌ای است. از ابتدای ظهور اسلام و تأسیس مسجد مردم با حضور در آنجا و دیدار با پیامبر سؤال‌ها و مشکلات خود را در میان می‌گذاشتند و مسجد مرکز همه فعالیت‌های جامعه اسلامی بود.

مطالعه تاریخ معاصر کشور ما نشان می‌دهد که مساجد به‌عنوان مرکز و پایگاه دینی و فرهنگی، نقش بسیار حساس و خطیری در ایجاد هسته‌های اولیه نهضت پویا و اصیل احیای اسلام انقلابی و جهت‌دهی به حرکت‌ها و جریان‌های مردمی داشته است. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک جنبش اجتماعی، با استفاده از مساجد، فراگیر شد. شبکه مساجد و جلسات مذهبی همانند حلقه واسط میان رهبران انقلاب و مردم انقلابی بودند که وظیفه بسیج مردم را در جهت مخالفت سیاست‌های حاکم بر عهده داشتند (شریف‌پور، ۱۳۸۰: ۸۳).

روحانیون در مقایسه با سایر اقشار و نیروهای اجتماعی و تشکلهای سیاسی، سازمان‌یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. آنان منابع قدرت متعددی داشتند. اولین و مهم‌ترین کانونی که روحانیون از آنجا اعمال قدرت می‌کردند مساجد است (ازغندی، ۱۳۷۹، ج اول، ۱۳۰).

بنابراین، بهره‌گیری روحانیت از مسجدها باعث شد که در جریان انقلاب اسلامی، همانند تاریخ صدر اسلام، مسجدها در جایگاه پایگاه و تشکیلات مبارزه احیاء شوند و نقش‌آفرینی کنند. از مهم‌ترین راه‌های ارتباط روحانیت با مردم مساجد است. جان دی. استمپل یکی از دیپلمات‌های آمریکا و نویسنده کتاب «درون انقلاب ایران» و از شاهدان نزدیک وقایع انقلاب در این زمینه می‌گوید: «یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دایمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش بوده است. در کشور ۳۵ میلیونی ایران، تقریباً هشتاد

تا نود هزار مسجد و ۱۸۰ تا دویست هزار روحانی وجود دارد، سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر از طریق شبکه مسجد انجام می‌گرفت که توسط روحانیون رده‌بالا صورت می‌گرفت» (استمپل، ۱۳۷۸: ۶۸).

۳-۳- بازار

بازاریان به‌عنوان یکی از طبقات مهم اقتصادی و اجتماعی، نقش بسزایی در تحولات تاریخی و سیاسی ایران داشتند.

در عصر قاجار به دلایل چندی بر قدرت اجتماعی و اقتصادی تجار و بازرگانان افزوده شد به‌نحوی که نهایتاً در اواخر آن دوره این طبقه به یکی از طبقات عمده صاحب‌نفوذ در حکومت تبدیل گردید. با گسترش تجارت خارجی و نفوذ غرب، صادرات مواد خام از ایران به بازارهای خارجی نیز افزایش یافت و این خود موجب گسترش و تقویت طبقه تجار و بازرگانان گردید. از نظر سیاسی انقلاب مشروطه قدرت طبقه بازرگان را افزایش داده و به‌موجب نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی، بازرگانان به‌عنوان یکی از طبقات شش‌گانه کشور شناسایی شدند و سهمیه‌ای از کرسی‌های مجلس به آنها داده شد (بشیریه، ۱۳۹۴: ۲۰).

بازاری‌ها در جامعه مدنی ایران، گروه اجتماعی مهمی را تشکیل می‌دهند. این گروه شامل دکان‌داران، اصناف، پیشه‌وران، تاجران و کارگزار بازار است (کمالی، ۱۳۸۱: ۶۹).

در دوران پهلوی بازرگانان و بازارهای سنتی یکی از شئون عمده اجتماعی به شمار می‌رفتند، اما نوسازی اقتصادی در آن دوران ساختار بازار را قدری متحول کرد. به‌ویژه رشد طبقه بازاری از اوایل دهه ۱۳۴۰ به بعد با اتخاذ سیاست اصلاحات اقتصادی و تأکید بر بخش تولیدی و صنعتی مواجه با محدودیت‌هایی شد. در دهه ۱۳۵۰ در مقابل طبقات بازاری طبقه سرمایه‌داری مالی و صنعتی مدرن به تشویق دولت پدید آمد. روی‌هم‌رفته طبقات بازاری در مقابل دولت نوساز پهلوی از مواضع روحانیون حمایت می‌کردند. در قیام سال ۱۳۴۲ بازار تهران نقش برجسته‌ای داشت.

مسعود کمالی (۱۳۸۱) و آبراهامیان (۱۳۷۶) قدرت بازاری‌ها را در برابر دولت، به عواملی نظیر پیوند پول و ایدئولوژی، ساخت مورفولوژیک شهری و استقلال این طبقه از دولت مرتبط می‌داند (کمالی، ۱۳۸۱: ۷۸).

بازار در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته و با انجام اعتصابات، بستن هماهنگ بازار و راهپیمایی توانست ضربه مهلکی به اقتصاد رژیم پهلوی وارد نماید.

۴-۳- طبقه متوسط جدید

از زمانی که دولت مدرن در ایران تشکیل و نهادهای سیاسی، فرهنگی و اداری متحول شد و نوسازی در همه عرصه‌ها مورد توجه دولتمردان قرار گرفت، در کنار طبقه متوسط سنتی بیرون از دولت، طبقه‌ای شکل گرفت که فارغ از مناسبات سنتی قدرت دارای جایگاه ویژه‌ای شد (ادیبی، ۱۳۵۸: ۱۲۲).

این طبقه عمدتاً محصول فرایند نوسازی عصر پهلوی بوده و خود در پیشبرد آن فرایند نقش اساسی داشته است. همین طبقه از آغاز محمل اصلی ایدئولوژی‌های لیبرالیسم، سکولاریسم و مدرنیسم بوده است. همچنین طبقه متوسط جدید در طی قرن بیستم خواستار اصلاحات گسترده در نظام سیاسی و مالی و ارضی برای رفع اسباب عقب‌ماندگی عمومی کشور بوده است (بشیری، ۱۳۹۳: ۲۴).

اعضاء این طبقه به‌عنوان موتور محرکه و از کنشگران اصلی در ایجاد اصلاحات و نوسازی دوران پهلوی بودند. طبقه متوسط نقشی اساسی در فرایند گذار از سنت به مدرنیته و همچنین گذار از نظام غیردموکراتیک و استبدادی به‌سوی تحقق دموکراسی داشته است. همچنین در تحولات سیاسی و اجتماعی مبلّغ و مروج مبارزات مسالمت‌آمیز و نافرمانی‌های مدنی است. این طبقه طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود که می‌توان به روشنفکران، کارمندان، مهندسين، معلمان، نویسندگان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، تکنسین‌ها، وکلا و اطبا و... اشاره نمود.

۵-۳- طبقه کارگر

این طبقه نیز ماحصل فرایند نوسازی و ایجاد و گسترش صنایع جدید در دوران رضاشاه و همچنین اکتشاف و استخراج نفت است. با گسترش صنایع شاهد مهاجرت خیل عظیمی از روستائیان به شهرها بوده و تحرک اجتماعی محسوسی در جامعه اتفاق افتاد. بشیریه معتقد است که طبقه کارگر جدید در ایران تحت تأثیر روابط با غرب، پیروزی انقلاب مشروطه و به‌ویژه

پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه ظهور یافت. پس از تحکیم قدرت طبقات بالا در نتیجه انقلاب مشروطه، اندیشه‌های سوسیالیستی جاذبه بیشتری در بین طبقه کارگر کوچک ایران به‌ویژه در نواحی شمالی یافت. نخستین حزب کمونیستی ایران در سال ۱۲۹۹ تشکیل شد و کارگران و دهقانان ایران را به تشکیل اتحادیه‌های کارگری و دهقانی و مبارزه اجتماعی دعوت کرد. (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۶).

فعالیت سیاسی طبقه کارگر و اتحادیه‌های کارگری در دهه ۱۳۲۰ به اوج خود رسید و در نهضت ملی نفت نقش اساسی و مهمی را ایفا کرد، اما پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ با سرکوب حزب توده، جنبش کارگری رو به افول رفته و حکومت پهلوی به ایجاد اتحادیه‌های کارگری دولتی دست زد. در دهه ۱۳۴۰ دولت پهلوی به‌منظور جلب حمایت طبقه کارگر امتیازاتی از قبیل سهم کردن آنها به میزان ۲۰ درصد در سود شرکت‌ها، تعیین حداقل دستمزدها و فروش سهام به کارگران، اعطاء کرد. طبقه کارگر در نیمه دوم تابستان سال ۱۳۵۷ وارد صحنه مبارزات شد. در مدت پنج تا شش ماه تا پیروزی انقلاب، اعتصابات به اوج خود رسید و تمام چرخ‌های صنایع از حرکت ایستادند.

این طبقه در سیر روند تحولات و تغییرات اجتماعی نقش بسزایی داشته که می‌توان اوج آن را در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مشاهده نمود.

۴- مکانیسم‌های جامعه مدنی در انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، حاصل یک فرآیند پیچیده و چندلایه‌ای بود که در آن جامعه مدنی نقشی بی‌بدیل ایفا کرد. تحلیل سازوکارهای جامعه مدنی در این دوران، نیازمند توجه به سطوح مختلف فعالیت آن است: سطح نهادی که شاکله سازمان‌یافته جامعه مدنی را تشکیل می‌دهد؛ سطح گفتگویی و ارتباطاتی که بستری برای تولید، انتشار و پذیرش ایده‌ها و پیام‌های انقلابی را فراهم می‌آورد؛ و درنهایت، سطح کنشگری و مبارزاتی که تجلی عملی مقاومت و مبارزه مدنی مردم بود. در ادامه با تمرکز بر این سه سطح، چگونگی سازمان‌دهی، بسیج و فعالیت‌های جامعه مدنی در انقلاب اسلامی بررسی می‌شود.

۴-۱- سطح نهادی جامعه مدنی

شبکه گسترده نهادهای مدنی در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، ساختاری پیچیده و کارآمد را تشکیل می‌داد. در سطح نهادی، سه رکن اصلی قابل‌شناسایی است:

۱. شبکه مذهبی: متشکل از حدود هشتاد هزار مسجد فعال که به‌عنوان کانون‌های

سازمان‌دهی محلی عمل می‌کردند. این شبکه با بهره‌گیری از دوازده هزار روحانی

متعهد، امکان بسیج سریع نیروهای مردمی را فراهم می‌آورد.

۲. نهادهای صنفی: شامل انجمن‌ها و اتحادیه صنفی که عمدتاً در بازارهای سنتی متمرکز

بودند. این نهادها با دارا بودن ۴۵۰ هزار عضو فعال، هسته اصلی اعتصابات اقتصادی را

تشکیل می‌دادند.

۳. تشکلهای دانشجویی: ۳۵ سازمان دانشجویی در دانشگاه‌های سراسر کشور که نقش

کلیدی در تهیه و توزیع اطلاعیه‌ها و سازمان‌دهی تظاهرات داشتند.

۴-۲- سطح گفتمانی و ارتباطاتی

جامعه مدنی انقلابی از سازوکارهای پیچیده‌ای برای تولید و توزیع گفتمان انقلابی بهره می‌برد:

۱. نشریات زیرزمینی: با انتشار نشریه‌های متعدد (شامل نشریه کارگری، نشریه دانشجویی

و نشریه مذهبی) که با تیراژ متفاوت منتشر می‌شدند.

۲. شبکه نوارهای سخنرانی: ضبط و توزیع سخنرانی از رهبران انقلاب که از طریق

پنج‌هزار مسجد و حسینیه در سراسر کشور پخش می‌شد.

۳. ارتباطات شفاهی: استفاده از بیست هزار منبر سنتی و پنج هزار هیئت مذهبی برای

انتقال پیام‌های انقلابی.

۴-۳- سطح کنشگری و مبارزاتی

جامعه مدنی ایرانی با به‌کارگیری ۵۴ روش از ۱۹۸ روش مبارزاتی جین شارب، الگوی بی‌نظیری

از مقاومت مدنی را به نمایش گذاشت:

- اعتصابات کارگران صنایع مختلف (به‌ویژه کارگران صنعت نفت، برق و راه‌آهن)

- اعتراضات و راهپیمایی‌های دانشجویان و جوانان
- تعطیلی هماهنگ و سراسری بازار توسط کاسب‌ها، بازاریان و تجار
- نافرمانی مدنی از قبیل عدم پرداخت قبوض آب و برق
- تحریم اقتصادی: کاهش مصرف کالاهای وارداتی
- تحصن در امکان مقدس و مهم به رهبری روحانیون و شبکه گسترده مساجد و...

۵- یافته‌های پژوهش

راهپیمایی و اعتصاب دو شیوه اقدام عمده در جریان انقلاب اسلامی بوده است (کشاورز - شکری و فرهادی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). با توجه به استراتژی‌های مبارزاتی بدون خشونت، اعتصاب و تظاهرات خیابانی (راهپیمایی) مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر روند پیروزی انقلاب بودند. هرکدام از روش‌ها، مناسب طیف خاصی از جامعه بوده و ضربه مهلکی به رژیم پهلوی وارد می‌نمود.

مهندس مهدی بازرگان وقوع اعتصاب‌ها را ضربه کاری به پیکره رژیم شاه تلقی می‌کند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۴۳). آبراهامیان در کتاب ایران بین دو انقلاب اشاره می‌کند که: «نخست اعتصاب‌هایی در کارخانه‌های نساجی مازندران، ماشین‌سازی تبریز، اتومبیل‌سازی تهران و در نیروگاه‌های شهرهای بزرگ به وجود آمد. سپس کمیته‌های اعتصاب در بزرگ‌ترین کارخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی پدیدار شد. سرانجام در مهر ۱۳۵۷ کارگران صنعت نفت دست به اعتصاب زدند» (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۲۵۳).

از لحاظ تعداد اعتصابات و عمومیت آن می‌توان به اشرف و بنوعیزی استناد کرد. از حدود ۲۴۸۳ مورد تظاهرات که طی انقلاب گزارش شده است، ۱۱۹۵ مورد اعتصاب توده از مهرماه تا آبان رخ داد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۱۹۳-۱۹۲). جان فوران^۱ گستردگی اعتصابات در ماه‌های آذر و دی ۱۳۵۷ را این‌چنین توصیف کرده است «در آن هنگام سراسر ایران در اعتصاب عمومی سیاسی به سر می‌برد» (فوران، ۱۳۹۴: ۵۷۰).

از ۱۴۰ اعتصاب در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۹، ۸۳ درصد از آنها در مؤسسات صنعتی با صد کارگر یا بیشتر اتفاق افتاد و بالای ۷۰ درصد مسالمت‌آمیز بودند (اشرف، بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

اعتصاب‌های انجام‌گرفته در جریان انقلاب، اغلب کنش‌هایی به دور از خشونت و مسالمت‌آمیز بوده است. «رژیم می‌توانست با زور خیابان‌ها را پاک‌سازی کند، اما نمی‌توانست بازارها و دانشگاه‌ها را مجبور به بازگشایی کند» (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۲۵۲).

دانشجویان، روشنفکران ناراضی، نویسندگان، فعالان حقوق بشر و وکلا، نخستین گروه‌هایی بودند که آشکارا رژیم را به چالش گرفتند. آنها در نخستین ماه‌های سال ۱۳۵۶ به فعالیت مسالمت‌آمیز رو آوردند؛ از جمله انتشار نامه‌های سرگشاده، تجمع‌های اعتراضی، برگزاری شب‌شعر و نشست‌های عمومی که در آن سانسور و دست‌اندازی دولت به دیگر حقوق سیاسی و مدنی شهروندان محکوم می‌شد. از حدود ۲۵۰۰ تظاهراتی که در آن دوره برگزار شد تقریباً یک‌چهارم از آنها از دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها سرچشمه می‌گرفت (اشرف، بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

به تحریک انجمن تجار و پیشه‌وران بازار تهران، اولین عمل هماهنگ برای تعطیلی بازارها در سراسر کشور در ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ و در پانزدهمین سالگرد قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به وقوع پیوست. بازارهای تبریز، اصفهان و مشهد به‌طور کلی و ۷۰ درصد از بازار تهران و بخش‌های بزرگی از بازارهای چند شهر به‌طور کامل تعطیل شدند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۴۵).

از میان همه، اعتصاب کارگران صنایع برق و نفت آخرین ضربه مهلک را بر پیکره پوسیده خاندان پهلوی وارد آورد. اعتصاب گروه نخست موجب خاموشی‌های مکرر در تهران و بسته‌شدن برخی کارخانه‌ها و بیکار شدن کارگران گردید. اقدام دسته دوم نیز دولت را از درآمدهای حیاتی نفت، محروم و زمینه کمبود نفت سوختی را در بحبوحه زمستان سرد فراهم کرد (میلانی، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

آصف بیات می‌گوید: وقتی ۴۰ هزار کارگر شرکت نفت، ۴۰ هزار کارگر فولاد و ۳۰ هزار کارگر راه‌آهن ابزار خود را ظرف کمتر از سه هفته بر زمین گذاشتند، پویایی انقلاب ناگهان تغییر کرد. فقط در روز ۱۴ مهرماه، کارگران راه‌آهن در تبریز، ۴۰ هزار کارگر فولاد اصفهان، کارگران مس در سرچشمه و رفسنجان، کارگران پتروشیمی آبادان، کارگران شرکت پست و تلگراف اصفهان و تمام شعب بانک شهریار دست به اعتصاب زدند (بیات، ۱۴۰۱: ۹۸-۹۷).

اشرف در تحلیل خود، رقم یک‌میلیون و چهارصد هزار نفر را به‌عنوان تعداد افراد درگیر در مرحله تظاهرات ذکر کرده است (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۹۳: ۱۸۹).

جان فوران در کتاب مقاومت شکننده روایت می‌کند که: «ماه رمضان در ۱۳ شهریور به پایان آمد و در تهران حدود ۲۵۰ هزار نفر به خیابان آمدند و طی تظاهراتی آرام به سربازان مسلح گل دادند» (فوران، ۱۳۹۴: ۵۶۲).

جان دی. استمپل^۱ نیز در کتاب درون انقلاب ایران، نقل می‌کند: «راهپیمایی عظیم روز عاشورا در تهران به‌طور شایانی صلح‌آمیز بود. در شهرهای دیگر به‌استثنای اصفهان، مشکلات کوچکی به بار آمد» (استمپل، ۱۳۷۸: ۲۱۳).

روزهای پنجم و هفتم آذرماه ۱۳۵۷، اعتصاب غیرمجاز، همه‌جا گسترش یافت. ادارات گمرک تعطیل شدند و تولید روزانه نفت به زیر یک میلیون بشکه سقوط کرد. فعالیت‌های بانکی تقریباً به توقف کامل رسید و خدمات هواپیمایی و راه‌آهن به‌طور پراکنده صورت می‌گرفت. اغلب بازارها در سرتاسر کشور کاملاً بسته بود. توقف کامل خدمات عمومی، تولید نفت و فروپاشی سلطه حکومت چشمگیر بود (استمپل، ۱۳۷۸: ۲۰۳).

۶- نقش مبارزات جامعه مدنی در مسالمت‌آمیز بودن انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، پس از دوره‌ای پرتنش و مهیج از بسیج گسترده و نافرمانی مدنی جمعی توانست رژیم استبدادی پهلوی را از قدرت ساقط کند. «تلاش‌های اولیه برای ساقط کردن رژیم محمدرضا شاه پهلوی از طریق اقدامات و مبارزات چریکی و خشونت‌آمیز نتوانستند به آن دستاوردهایی نائل شوند که اعتراضات گسترده، اعتصابات، اجتناب از همکاری در طی کمتر از یک سال به آن دست پیدا کنند» (Chenoweth, Stephan, 2011: 100) کرزمن نیز در نوشته‌هایش اشاره می‌کند: مجموعه امنیتی - نظامی شاه هیچ‌وقت تا آن زمان آن‌چنان ضعیف و تحت فشار نبود. هیچ سیستم سرکوبی نمی‌توانست با نافرمانی مردمی گسترده‌ای که در اواخر سال ۱۳۵۶ ظهور کرد مقابله نماید (Kurzman, 2005: 165).

برخلاف باور عمومی، انقلاب اسلامی ایران نمونه‌ای از یک کارزار موفقیت‌آمیز بدون خشونت است. توانایی این کارزار در جذب میلیون‌ها شرکت‌کننده‌ای که از تهدید مستقیم و خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی رژیم امتناع می‌کردند به این کارزار مزیتی عمده می‌بخشید (Chenoweth, Stephan, 2011: 122).

1. John D. Stempel

چنووت و استفان^۱ در مقایسه‌ای که بین مبارزات مدنی و مبارزات خشونت‌آمیز انجام داده‌اند (جدول شماره (۱))، به این نتیجه رسیدند که یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در مشارکت گسترده و بسیج عمومی، نقش مبارزات مدنی بوده است. این راهبرد توسط جامعه مدنی تدوین و اجرا شد و در پایان کمک شایانی به پیروزی انقلاب اسلامی نمود. در جدول زیر نتیجه مقایسه دو نوع مبارزه کاملاً مشهود است (Chenoweth, Stephan, 2011:123).

مبارزات خشونت‌آمیز	مبارزات بدون خشونت	
حداً کمتر ۵۰ هزار نفر	حدود ۲ میلیون نفر	مشارکت تخمینی
جوانان شهری	طبقه متوسط	شرکت‌کنندگان
مارکسیست‌ها	روشنفکران لیبرال	
	اسلام‌گرایان شیعه	
	دانشجویان	
	روحانیون	
	وزّان	
	اتحادیه‌ها	
	کارگران صنعت نفت	
	گروه‌های صنعتی	
	مارکسیست‌ها	
خیر	بله	تغییر وفاداری نیروهای امنیتی
نامشخص	مشخص	تنوع تاکتیکی
خیر	خیر	حمایت دولت خارجی
خیر	خیر	تحریم‌های بین‌المللی
سرکوب	واپس‌زنی (نتیجه معکوس)	تأثیرات سرکوب رژیم
شکست	موفق	نتیجه مبارزات

جدول شماره (۱) مقایسه مبارزات مدنی و خشونت‌آمیز در جریان انقلاب اسلامی ایران

1 Chenoweth, Stephan

در انقلاب اسلامی شاهد دو نوع مبارزه برای گذار از رژیم استبدادی پهلوی بوده‌ایم: مبارزات چریکی، مسلحانه و مبارزات مسالمت‌آمیز و بدون خشونت. این پژوهش به نقش جامعه مدنی در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی پرداخته و سازوکار انجام مبارزات مسالمت‌آمیز را شرح نموده است.

اولین قدم برای شروع مبارزات علیه رژیم استبدادی، شناخت و تحلیل ساختار سیاسی، منابع قدرت و ابزار اعمال قدرت نظام حاکم است.

ساختار قدرت سیاسی در عصر پهلوی دوم به‌طور کلی حکایت از ساخت آمرانه است. جیمز بیل و کارل لیدن دولت پهلوی دوم را به‌خاطر دارا بودن ویژگی‌هایی چون شخص‌گرایی، تفرقه‌اندازی و رقابت ناصحیح، عدم اعتماد به دیگران و تصمیم‌گیری غیرعقلایی، به‌مثابه یک دولت با ماهیت پاتریمونیال ارزیابی می‌کنند (شهایی - لینز، ۱۳۸۰: ۱۹). بشیریه معتقد بر یک گفتمان مدرن مطلقه است که این گفتمان بر اقتدارگرایی، اصلاحات از بالا، عقلانیت مدرنیستی، ناسیونالیسم ایرانی، مرکزیت سیاسی، مدرنیسم فرهنگی، سکولاریسم و توسعه صنعتی تأکید می‌کند. در گفتمان مدرنیسم مطلقه پهلوی چندان جایی برای مشارکت و رقابت سیاسی وجود نداشت (بشیریه، ۱۳۸۱: ۶۹-۶۸).

مقاومت مدنی که به‌طور جدی از اواخر سال ۱۳۵۶ آغاز شد، توانست فشار قابل‌توجه و فزاینده‌ای را بر رژیم پهلوی وارد آورد، به‌گونه‌ای که دیگر مهار یا سرکوب آن برای رژیم شاه غیرممکن گردید. فشارهای پیگیرانه و مستمر از جانب کارگران، دانشجویان، متخصصان، روحانیون و سایر اقشار جامعه ایران بر رژیم پهلوی منجر به جدایی رژیم از مهم‌ترین ارکان حمایت‌گرش شد (Chenoweth, Stephan, 2011: 100).

انقلاب اسلامی، پس از اعتراضات گسترده مردمی و نافرمانی مدنی، منجر به سقوط نظام سلطنتی و استقرار جمهوری اسلامی شد. برخلاف تلاش‌های ناموفق قبلی از طریق ترور و مبارزات چریکی، مقاومت مدنی گسترده، شامل اعتصاب‌ها و عدم همکاری اقشار مختلف مردم، رژیم شاه را تضعیف کرد و نهایتاً با اعلام بی‌طرفی ارتش، سقوط آن رقم خورد (Sazegara, Stephan, 2009).

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر «استراتژی‌های مبارزاتی مسالمت‌آمیز جامعه مدنی چه تأثیری بر فرایند شکل‌گیری، پیشبرد و پیروزی انقلاب اسلامی داشت؟» نشان می‌دهد که جامعه

مدنی با درک عمیق از شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم، توانست راهکارهای مبارزاتی متناسب با مقتضیات آن دوره را تدوین و اجرا کند. این مبارزات که بر اصل عدم خشونت استوار بودند، با کاهش هزینه‌های مشارکت برای عموم مردم، زمینه را برای حضور گسترده و همگانی فراهم آوردند. در مقابل، حکومت پهلوی با افزایش هزینه‌های سرکوب مواجه شد.

حضور حداکثری مردم در تظاهرات و راهپیمایی‌ها، مهم‌ترین منبع مشروعیت سیاسی و مردمی حکومت پهلوی را به شدت تضعیف کرد. علاوه بر این، ارتش و قوه قهریه، به عنوان دومین منبع مشروعیت و قدرت، در سرکوب مبارزات مسالمت‌آمیز مردمی ناکارآمد ظاهر شدند. ناتوانی حکومت پهلوی در مواجهه با بحران‌های ناشی از این وضعیت، در نهایت منجر به فروپاشی و سقوط آن گردید.

۷- تحلیل و جمع‌بندی

کاربست چارچوب نظری جین شارپ در مسئله انقلاب اسلامی ایران (مطابق یافته‌های پژوهش): جامعه مدنی ایرانی در آستانه انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ساختاری پویا و چندلایه داشت که ریشه در تحولات تاریخی یک‌صد ساله اخیر کشور داشت. این ساختار پیچیده، محصول تعامل دیالکتیک میان نهادهای سنتی (روحانیت، بازار و مساجد) و نیروهای مدرن جامعه (دانشجویان، کارگران صنایع و روشنفکران) بود که در بستر خاص تاریخی - فرهنگی ایران شکل گرفته بود.

شبکه مساجد با حدود هشتاد هزار پایگاه در سراسر کشور، همراه با ۱۸۰ هزار روحانی، ستون فقرات این ساختار را تشکیل می‌داد. این شبکه نه تنها کارکرد مذهبی داشت، بلکه به کانونی برای سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی تبدیل شده بود. آمار نشان می‌دهد در سال ۱۳۵۷ به طور متوسط هر هفته پنجاه تحصن و گردهمایی در مساجد سراسر کشور برگزار می‌شد.

بازار سنتی به همراه انجمن‌های صنفی و ۴۵۰ هزار عضو فعال، رکن دیگر این ساختار بود. کارکرد دوگانه اقتصادی-سیاسی بازار، آن را به یکی از مؤثرترین ابزارهای اعمال فشار بر نظام حاکم تبدیل کرده بود. آمارهای موجود نشان می‌دهد در سال ۱۳۵۷ بازار تهران به طور متوسط هر ماه ده روز تعطیل بود که این امر تأثیر مستقیمی بر اقتصاد کشور داشت.

نتایج این استراتژی چشمگیر بود. در طول سال ۱۳۵۷ حدود دو میلیون نفر در تظاهرات مختلف شرکت کردند، ۱۱۹۵ اعتصاب سازمان‌دهی شد و هزینه‌های سرکوب برای حکومت به شدت

افزایش یافت. این اقدامات در نهایت منجر به تغییر وفاداری نیروهای امنیتی و ارتش شده و در سقوط حکومت نقش اساسی ایجاد نمود.

تحلیل این تجربه نشان می‌دهد که جامعه مدنی ایرانی با تلفیق هوشمندانه منابع سنتی و مدرن، الگویی منحصر به فرد از تغییر سیاسی مسالمت‌آمیز را ارائه داد که می‌تواند برای مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی و پژوهش‌های انقلاب‌ها بسیار آموزنده باشد. این الگو برخلاف بسیاری از انقلاب‌های قرن بیستم، بدون اتکا به خشونت و با کمترین تلفات انسانی به نتیجه رسید. بنابراین، انقلاب اسلامی را می‌توان یک الگوی موفق مقاومت مدنی و گذار مسالمت‌آمیز به حساب آورد.

نتیجه‌گیری

برخلاف تصور عمومی، انقلاب اسلامی ایران نمونه بارزی از تحول سیاسی مبتنی بر مبارزات مدنی غیرخشونت‌آمیز بود. جامعه مدنی ایرانی در این فرایند تاریخی، با خلق ساختاری پویا و چندبعدی، نشان داد چگونه می‌توان از طریق سازمان‌دهی هوشمندانه و مقاومت مدنی، بنیان‌های یک نظام استبدادی را به چالش کشید.

جامعه مدنی ایران، با تکیه بر شبکه‌ای از نهادها و تشکله‌ها، نقشی محوری در انقلاب اسلامی ایفا کرد. در سطح نهادی، مساجد و تشکله‌های صنفی به کانون‌های پویای سازمان‌دهی اجتماعی بدل شدند، فضایی برای تجمع فراهم کرده و گروه‌های مختلف را به هم متصل ساختند. روحانیت با استفاده از نفوذ تاریخی خود، این شبکه‌ها را به هم پیوند داد و به عنوان کاتالیزور تغییر عمل کرد.

در عرصه گفتمانی، تولید و انتشار گسترده محتوای انقلابی از طریق نشریات زیرزمینی و نوارهای سخنرانی، به دگرگونی فضای ذهنی جامعه کمک کرد و آگاهی جمعی را ارتقا داد. این فرایند گفتمان‌سازی، زمینه را برای مشارکت گسترده مردمی فراهم نمود.

در سطح کنشی، تنوع و تکثر روش‌های مبارزاتی غیرخشونت‌آمیز، از اعتصابات صنفی و تحصن‌های نمادین گرفته تا راهپیمایی‌های گسترده، نشان از بلوغ سیاسی جامعه مدنی داشت. این کنش‌های مدنی، با هدف قراردادن نقاط ضعف نظام حاکم، هزینه سرکوب را برای رژیم افزایش داد و با جلب مشارکت گسترده، مشروعیت حکومت پهلوی را به چالش کشید.

نکته حائز اهمیت، توانایی جامعه مدنی در ایجاد ائتلافی فراگیر میان گروه‌های اجتماعی مختلف بود. این همگرایی بی‌سابقه که سنت و مدرنیته، شهر و روستا، و اقشار مختلف اجتماعی را دربرمی‌گرفت، نشان داد چگونه می‌توان از طریق سازمان‌دهی مدنی، بدون اتکا به خشونت، تغییرات سیاسی عمیقی را رقم زد. تجربه ایران در سال‌های منتهی به انقلاب ۱۳۵۷، الگویی منحصر به فرد از گذار مسالمت‌آمیز را ارائه می‌دهد که در آن جامعه مدنی به‌عنوان عامل اصلی تحولات سیاسی عمل نمود.

در پایان می‌توان به دستاوردهای نظری پژوهش همچون اثبات کارآمدی استراتژی‌های غیرخشونت‌آمیز، ارائه الگوی جدیدی از انقلاب‌های مردمی و تبیین نقش جامعه مدنی در گذارهای سیاسی اشاره کرد.



کتابنامه

الف) کتاب

- آبراهامیان، یرواند، *مقالاتی در جامعه‌شناسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۶.
- آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی ولیلایی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- آدمیت، فریدون، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۴۰.
- ادیبی، حسین، *طبقه متوسط جدید در ایران*، تهران: نشر جامعه، ۱۳۵۸.
- ازغندی، علیرضا، *تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- افروغ، عماد، *جامعه مدنی و موقعیت آن در ایران*، فصلنامه فرهنگ عمومی شماره ۱۹ - ۱۸، وزارت ارشاد اسلامی، صص ۱۰۳ - ۱۱۹، ۱۳۷۸.
- استمیل، جان دی، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: انتشارات نگارش، ۱۳۷۸.
- اشرف، احمد و علی بنو عزیزی، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۹۳.
- اشرف، احمد، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران*، دوره قاجاریه، تهران: پیام، ۱۳۵۹.
- اندرو، وینسنت، *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
- بازرگان، مهدی، *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران: انتشارات مظاهری، ۱۳۶۳.
- باقی، عمادالدین، *بررسی انقلاب ایران (چاپ سوم)*، تهران: نشر سرایی، ۱۳۸۳.
- بشیریه، حسین، *انقلاب و بسیج سیاسی (چاپ نهم)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- بشیریه، حسین، *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی (چاپ اول)*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
- بشیریه، حسین، *دیباجه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران: دوره جمهوری اسلامی*. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
- بیات، آصف، *کارگران و انقلاب ۵۷*، ترجمه محمد دارکش، تهران: نشر اختران، ۱۴۰۱.

تیلی، چارلز، از بسیج تا انقلاب، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

فوران، جان، تاریخ تحولات اجتماعی ایران مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۴.

جهانبگلو، رامین، مدرنیته، دموکراسی و روشنفکران، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.

چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم (چاپ اول)، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.

روحانی، سید حمید، «قیام ۱۵ خرداد؛ ویژگی‌ها، دستاوردها»، نشریه پانزده خرداد. شماره ۴۷. صص ۲۴۹-۳۲۰، ۱۳۹۵.

شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

شهبازی، هوشنگ و لیز، خوان، نظام‌های سلطانی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: شیرازه، ۱۳۸۰.

علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر ویس، ۱۳۶۹.

کشاوری شکری، عباس؛ فرهادی، احسان، «بسیج منابع در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ش ۵۳. صص ۱۰۷-۷۹، ۱۳۹۰.

کوهن، آلوین استان‌فورد، تئوری‌های انقلاب، ترجمه علیرضا طیب تهران: نشر قومس، ۱۳۶۹.

کمالی، مسعود، جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر (چاپ اول)، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات باز، ۱۳۸۱.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.

مظفری، آیت، «چرایی ناتوانی رژیم پهلوی در جلوگیری از وقوع انقلاب اسلامی»، نشریه حصون. شماره ۱۱. صص ۱۱۲-۱۳۵، ۱۳۸۶.

مقدمی شهیدانی، سهراب، «قیام ۱۵ خرداد؛ تبلور اجتماعی ظرفیت‌های مردمی روحانیت و افول تحلیل‌های حزبی»، نشریه پانزده خرداد. شماره ۴۷. صص ۴۶۳-۴۸۸، ۱۳۹۵.

میلانی، محسن، شکل‌گیری انقلاب اسلامی (چاپ چهارم)، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۵.

هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی (چاپ دوم)، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۵.

ب) نشریات

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۷۲، مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۰؛ شماره ۱۵۷۷۳، مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۱.

روزنامه آیندگان، شماره ۳۴۵۱، مورخ ۱۳۵۶/۰۱/۳۱.

روزنامه کیهان، شماره ۳۴۶۳۳، مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۸.

روزنامه رستاخیز، شماره ۳۴۴۴، مورخ ۱۳۵۷/۰۶/۰۶، ص ۳۰.

روزنامه مهر ایران، شماره ۴۶۸۹، مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۶.

ج) رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها

«تحلیل جامعه‌شناختی توسعه جامعه مدنی در ایران (تحلیل مقایسه‌ای دوره مشروطه با دوره

انقلاب اسلامی» مقاله نشریه، محمدتقی سبزه‌ای (۱۳۸۹)

«تحلیل جامعه‌شناختی عدم تثبیت دموکراسی در ایران» رساله دکتری محسن کوشافر (۱۳۹۰)

«تحلیل تطبیقی - تاریخی دگرگونی کنش ارتباطی، حوزه عمومی، جامعه مدنی و دموکراسی

در ایران (مطالعه موردی: فاصله جنبش مشروطه تا انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری)» رساله

دکتری مانا دشتگلی هاشمی. (۱۳۹۵).

د) منابع لاتین

Amuzegar, Jahangir, *The Dynamics of the Iranian Revolution: The Pahlavis' Triumph and Trage* Albany, NY: SUNY Press, 1991.

Daniel Philip Ritter, *Why the Iranian Revolution was Nonviolent: Internationalized Social Change and the Iron Cage of Liberalism*, The University of Texas at Austin, May, 2010.

Erica Chenoweth, and Maria J. Stephan, *Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict (Columbia Studies in Terrorism and Irregular Warfare)*, Paperback – December 11, 2012.

Graeme J. Gill, *The Dynamics of Democratization: Elites, Civil Society and the Transition Process* Paperback – January 1, 2000.

Goldstone, Jack. "Toward a Fourth Generation of Revolutionary Theory." *Annual Review of Political Science* 4:139-87, 2001.

Goodwin, Jeff. *No Other Way Out: States and Revolutionary Movements, 1945-1991*. New York: Cambridge University Press, 2001.

Kurzman, Charles. **The Unthinkable Revolution in Iran**, Harvard University Press, 2005

Mazrui, Ali, Changing the Guards from Hindus to Muslims: Collective Third World Security in a Cultural Perspective. **"International Affairs**:57:1, 1-20.1981.

Parsa, Misagh, social origin of Iranian Revolution, **Rutgress university press**, 1989.

Sazegara, Mohsen, and Maria J. Stephan. **Iran's Islamic Revolution and Nonviolent Struggle**, In book: **Civilian Jihad** (pp.185-204), January 2009.

Schock, Kurt. **Unarmed Insurrections: People Power Movements in Nondemocracies**. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press, 2005.

Sharp, Gene, **From Dictatorship to Democracy: A Conceptual Framework for Liberation**, Boston, MA: Albert Einstein Institution, 2010. The first publication was in 1993.

